

# وبلاگ، منبر دیجیتال؟! آری یا خیر

گفت و گو از: آزاده شایان فر

می کند؛ البته در صورت استفاده آنها از وبلاگ؛ یعنی وبلاگ می تواند به وسیله ای برای مشروعیت دادن به دانش و نظریات و اطلاعات افراد و گروه هایی تبدیل شود که ما معمولاً به آنها دسترسی نداریم.

◀ حال با توجه به این ویژگی ها، آیا یک وبلاگ می تواند یک منبر باشد؟

— بله می تواند، البته به همان میزان که می تواند راهنما و مبلغ باشد، به همان میزان هم می تواند، گمراه کننده باشد وبلاگ به همان قدر که در این ارتباط مثبت است، منفی هم هست؛ نه تنها در عرصه تبلیغ دینی، در تمام زمینه ها به همین گونه است. مشکل بزرگ وبلاگ این است که خوانندگان وبلاگ ها، معمولاً هیچ شناخت و اطلاعی از نویسندگان وبلاگ ها

نخستین اجازه بسدهید، خصوصیات وبلاگ را با هم مرور کنیم. بفرمایید.

— نخستین ویژگی ای که برای وبلاگ، به مثابه یک رسانه مطرح است، سرعت آن در انتقال اطلاعات و طرح عقاید است. ویژگی دوم آن به عقیده بنده، این است که در این فضا، نویسنده یا نظریه پرداز می که به جهات مختلف، نمی توانسته عقاید خود، را به وسیله مطبوعات یا رسانه های جمعی ارائه بدهد، اکنون این امکان را برای نشر عقاید و حرف هایش پیدا کرده است؛ یعنی وبلاگ می تواند، شکاف رسانه ای را که تاکنون برای دسترسی به اطلاعات متنوع وجود داشته، تا حدودی پر کند.

سوم اینکه وبلاگ فرصت آشنایی با کارشناسان، متخصصان و نظریه پردازان گمنام را فراهم

◀ آقای پرفسور مولانا، شما چقدر با استفاده از عبارت «منبر دیجیتال»، برای تعریف وبلاگ، به عنوان یک مبلغ دینی در فضای سایبر موافق هستید؟ آیا وبلاگ می تواند وسیله ای برای تبلیغ مذهبی باشد؟

— پیش از پاسخ به این سوال شما، نخست باید درباره وبلاگ بگویم که وبلاگ نوشتن، چیزی شبیه سفره انداختن است؛ یعنی شما سفره ای انداخته اید که مردم می توانند بیایند و دور آن سفره جمع شوند و با هم صحبت و مصاحبه کنند یا چیزی بخورند و بروند. البته گفتن این نکته ضروری است که گاهی اوقات، این سفره انداختن در موضوع وبلاگ، چیزی شبیه دانه پاشیدن می شود.

◀ مثل اینکه در همین آغاز باید به سراغ مبحث آسیب شناسی وبلاگ ها برویم.

ندارند آنان نمی‌دانند که آیا نویسنده این وبلاگ در زمینه مطلبی که می‌نویسد، اعتبار و مشروعیتی دارد یا خیر. در حالی که به فرض، وقتی شما به یک روزنامه مراجعه می‌کنید، حداقل می‌دانید که این روزنامه توسط چه کسانی منتشر می‌شود. اعتبار دارد یا خیر؟ یا اینکه اصلاً موضع سیاسی و فکری گردانندگان آن چیست.

❖ یعنی به نظر شما وبلاگ وسیله قابل اعتمادی نیست؟

بله؛ در این فضا هر کس می‌تواند وارد شود و بگوید که من این اطلاعات را دارم و مخاطب هم هیچ وقت فرصت نمی‌کند که ببیند آیا او واقعاً این مقام و مشروعیت را دارد یا خیر؛ البته این را هم بگویم که وبلاگ‌ها تنها تا زمانی مؤثر هستند که تعدادشان محدود باشد؛ یعنی در حدی که آن شکاف موجود در مطبوعات و رسانه‌ها برای انتقال اطلاعات را پر کنند؛ ولی اگر تعداد وبلاگ‌ها آن قدر زیاد شود که با مسئله انفجار اطلاعات، آراء، افکار و مسئله تبلیغات تجاری مواجه شویم، دیگر ارزش خودش را از دست می‌دهد.

این مشکلی است که حتماً خود شما هم تجربه کرده‌اید شما در جست‌وجوی موضوع مورد علاقه خود با انبوهی از سایت‌ها مواجه می‌شوید. سؤال مهمی که پیش می‌آید این است که کدام یک از اینها پاسخ مفید را به شما می‌دهد. اگر شما سایت خاصی را شناسید، باید تمام روز خود را برای بررسی سایت‌های مختلف در ارتباط با موضوع مورد جست‌وجوی خود صرف کنید، یعنی افزایش روزافزون تعداد وبلاگ‌ها، خود به نوعی از ارزش و اعتبار وبلاگ می‌کاهد.

به خاطر داشته باشید که مردم وقت ندارند که ۸ ساعت بخوابند، ۸ ساعت کار کنند، ۸ ساعت تفریح و ۸ ساعت دیگر هم به وبلاگ‌ها نگاه کنند. اطلاعات خوب، اطلاعات مفید است؛ نه اطلاعات زیاد. اطلاعات زیاد مردم را گمراه می‌کند.

❖ این گمراه شدن در مواجهه با انبوه وبلاگ‌هایی که از مذهب و تبلیغ آن دم می‌زنند، هم صادق است؟

همین‌طور است. برای مثال اگر شما ۵۰ وبلاگ داشته باشید که درباره مذهب و اسلام

شما وقتی پای یک منبر می‌روید، در وهله نخست می‌دانید که اصلاً این منبر در مسجد است و آن مسجد هم معتبر است. ما می‌دانیم که این مسجد و منبر کجاست و قبلاً در سطح جامعه درباره آن اطلاعاتی کسب کرده‌ایم. در حالت کلی، شما نمی‌توانید بگویید که وبلاگ همان منبر است، زیرا شما نمی‌دانید که این منبر در کدام مسجد قرار گرفته است. بنابراین، باید مواظب بود

است؟

— تا حدودی موفق بوده‌اند. وضعیت امروز نسبت به گذشته بسیار بهتر است. نکته مهمی که وجود دارد این است که این مراکز باید فعالیت‌های اینترنتی خود را علاوه بر محیط‌های مجازی، به شکل سنتی هم تبلیغ کنند تا این کار از طریق همان ارتباطات سنتی، فرد به فرد و گروه به گروه صورت می‌پذیرد.

❖ جناب پرفسور مولانا، سؤال آخر اینکه آیا وبلاگ که رسانه‌ای در عالم مجازی است، می‌تواند به اندازه سایر رسانه‌ها و عناصر تبلیغاتی تاثیر گذار باشد؟

— می‌تواند؛ البته با توجه به اینکه این رسانه قدمت چندانی ندارد، هنوز مطالعات علمی خوبی که بتواند اثباتش را مشخص کند انجام نشده است. اغلب صحبت‌هایی که در این زمینه می‌شود، مبنای علمی و تحقیقاتی محکمی ندارند؛ ولی همانطور که عرض کردم، سه شرط مشروعیت وبلاگ، مفید بودن و تخصصی بودن آن، حداقل باید وجود داشته باشند. تا وبلاگ رسانه‌ای تاثیر گذار باشد؛ در غیر این صورت پس از مدتی، مردم خسته می‌شوند و وقتی تعداد وبلاگ‌ها فزونی بگیرد، دیگر کسی به آنها مراجعه نمی‌کند.

باز هم این را بگویم که هیجان زده نشویم و خیال نکنیم که وبلاگ هم رسانه‌ای است مثل سایر رسانه‌ها. وبلاگ، در واقع محیط مبادلات آزاد است، نه رسانه به آن شکلی که می‌شناسیم؛ هر چند که در سطح کلان موضوع، همه وسایلی که می‌توانند بین افراد و گروه‌ها یا یک گروه و انبوهی از جمعیت ارتباط برقرار کنند، رسانه خوانده می‌شوند. ■

صحبت می‌کنند، برای مخاطب این سؤال پیش می‌آید که من با مثلاً ۱۵ دقیقه وقتی که دارم، به سراغ کدام اینها بروم. بالاخره باید کسی مشروعیتی به اینها بدهد، و گر نه شما هیچ معیاری ندارید که کدام بهتر و مناسب‌تر است، مگر اینکه از دوستان شنیده باشید یا پس از گذشت زمانی، آن وبلاگ شهرت یافته باشد. به نظر من، وبلاگ به همان اندازه که می‌تواند مفید باشد و بحثی را باز کند و افق نظریه‌پردازی را متنوع کند، به همان اندازه می‌تواند باعث سرگیجه شود

❖ پس شاید پیش شرط اینکه یک وبلاگ بخواهد، نقش یک منبر را در پیام رسانی دینی ایفا کند، این است که از طرف متولیان حوزه‌های آموزش علوم اسلامی، مشروعیت کسب کرده باشد؟

کاملاً صحیح است. شما وقتی پای یک منبر می‌روید، در وهله نخست می‌دانید که اصلاً این منبر در مسجد است و آن مسجد هم معتبر است. ما می‌دانیم که این مسجد و منبر کجاست و قبلاً در سطح جامعه درباره آن اطلاعاتی کسب کرده‌ایم. در حالت کلی، شما نمی‌توانید بگویید که وبلاگ همان منبر است، زیرا شما نمی‌دانید که این منبر در کدام مسجد قرار گرفته است. بنابراین، باید مواظب بود و زیاد هیجانی نشد. پتانسیل‌ها بسیار است؛ ولی باید همه جوانب منفی و مثبت آن را در نظر گرفت.

❖ گفتید که پتانسیل‌های بالقوه این حوزه بسیار است؛ مراکز آموزش دینی ما تا به حال چقدر در به کارگیری این پتانسیل‌ها، در جهت اشاعه و تبلیغ دین موفق بوده‌اند؟ آیا تاکنون اقدام محسوس‌تری در این زمینه انجام گرفته